مشخصات متن

عنوان : نجاست یا طهارت اهل کتاب

نویسنده: استاد احمد قابل

منبع: شریعت عقلانی (وبلاگ نویسنده)

صفحات: ۳

hoveyda.wordpress.com

برخی دوستان در مورد «نجاست یا طهارت اهل کتاب» پرسیده اند. پاسخ اجمالی آن را به اطلاع می رسانم؛

الف) مقتضای «اصالهٔ الإباحه ی عقلیه» طهارت ذاتی و واقعی همه ی انسان ها است. هر حکمی به اسم شریعت یا قانون، که مخالف این اقتضاء باشد باید دلیل قانع کننده ی عقلی را به عنوان پشتوانه ی خود ارائه کند.

ب) هیچ حکم مشخصی که به نجاست انسان مربوط شود در قرآن وجود ندارد مگر آیه ی «انما المشرکون نجس= همانا مشرکان ناپاک اند» که از عنوان «نجَس» (که ظاهرا «ناپاکی معنوی» را شامل می شود) نمی توان برداشت عنوان «نجِس=ناپاک»(از نظر مادی) را کرد. این مطلبی است که در بحث های مفصل فقهی و تفسیری، مورد اقرار و اعتراف برخی فقیهان و مفسران مدافع نظریه ی «نجاست اهل کتاب» نیز قرار گرفته است (کتاب الطهارهٔ - السید الخوئی - ج ۲ - شرح ص ۴۴/ فالانصاف أن الآیهٔ لا دلالهٔ لها علی نجاسهٔ المشرکین فضلا عن دلالتها علی نجاسهٔ أهل الکتاب).

پ) آیات دیگری چون؛ «و کذلک جعلنا الرجس علی الذین لایؤمنون=و اینگونه پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی آورند قرار دادیم» که برخی مفسران و فقیهان به عنوان مستند «نجاست غیر مسلمانان» به آن تمسک کرده اند، اساسا دلالتی بر «ناپاکی ظاهری» ندارد و به همین جهت از سوی اکثریت فقیهان و مفسران مدافع نظریه ی «نجاست اهل کتاب» نیز پذیرفته نشده است (کتاب الطهارهٔ - السید الخمینی - ج ۳ - ص۲۹۸ / واستدل المحقق لنجاستهم بقوله تعالی : " کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون " (۱) وهو مشکل مع اشتراکه بین العذاب واللعنهٔ وغیرهما).

ت) روایات شیعه در این خصوص، بر سه قسم اند؛

یکم؛ دسته ای از روایات که منع از خوردن و آشامیدن در ظروف اهل کتاب (زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان) می کنند و یا سفارش می کنند به شستن ظروف و یا دستی که با رطوبت، دست آن ها را لمس کرده باشد. بسیاری از مفسران و فقیهان از این منع ها و سفارشات، حکم «نجاست ذاتی در برابر طهارت ذاتی» را برداشت

کرده و به آن فتوا داده اند. (وسائل الشیعة -الإسلامیة- الحر العاملی - ج ۱۶ - ص ۳۸۲ و۳۸۳ محمد بن یعقوب عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن یعقوب ابن یزید عن علی بن جعفر عن أخیه أبی الحسن علیه السلام قال : سئلته عن مؤاکلة المجوسی فی قصعة واحدة وأرقد معه علی فراش واحد وأصافحه قال لا / وعن أبیه عن صفوان عن العیص قال : سألت أبا عبد الله علیه السلام عن مؤاکلة الیهودی والنصرانی والمجوسی أفآکل من طعامهم . قال : لا).

دوم؛ دسته ای از روایات که در باره ی موضوع دسته ی اول، صریحا حکم به «لابأس= اشکالی ندارد» کرده اند و «لزوم پرهیز از آنان» را منوط به بهره گیری آنان از «خوردنی ها و آشامیدنی های حرام» کرده اند که دلالت آن ها بر «طهارت ذاتی اهل کتاب» مورد اقرار تمامی فقیهان است. البته در مقام جمع بندی و ترجیح، اکثریت فقیهان بر اساس دسته ی اول، فتوا داده اند. (الحدائق الناضرة - المحقق البحرانی - ج ۵ - ص ۱۶۹ - ۱۷۰ (الثالث) الأخبار ، ومنها ما رواه الشیخ فی الصحیح عن العیص بن القاسم " أنه سأل أبا عبد الله - علیه السلام- عن مواکلة الیهودی والنصرانی ؟ فقال لا بأس إذا کان من طعامک . وسألته عن مواکلة المجوسی ؟ فقال إذا توضأ فلا بأس " وهذه الروایة قد تقدمت فی کلام المحقق مستشهدا بها لما ذکره الشیخ - قدس سره- فی النهایة . وفی الصحیح عن إبراهیم بن أبی محمود قال : " قلت للرضا-علیه السلام- الجاریة النصرانیة تخدمک وأنت تعلم أنها نصرانیة لا تتوضأ ولا تغتسل من جنابة ؟ قال لا بأس تغسل یدیها " . وصحیحة إبراهیم بن أبی محمود أیضا قال : " قلت للرضا -علیه السلام- الخیاط أو القصار یکون یهودیا أو نصرانیا وأنت تعلم أنه یبول ولا یتوضأ ما تقول فی عمله ؟ قال لا بأس ") .

سوم؛ دسته ای از روایات که هم نهی از مخالطت با غیر مسلمانان کرده اند و هم صراحتا برداشت حرمت ازآن نهی ها را منع کرده و تصریح بر «کراهت» کرده اند. اصطلاحا «این روایات ، مفسر دو دسته ی پیشین اند» . (وسائل الشیعة (الإسلامیة) - الحر العاملی - ج ۱۶ - ص ۳۸۵ وعن أبی علی الأشعری عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان (بن یحیی - خ) عن إسماعیل بن جابر قال قلت لأبی عبد الله علیه السلام ما تقول فی طعام أهل الکتاب ؟ فقال : لا تأکله ثم سکت هنیئة ثم قال : لا تأکله ثم سکت هنیئة ثم قال لا تأکله ولا تترکه تقول انه حرام ولکن تترکه تتنزه عنه ان فی آنیتهم الخمر ولحم الخنزیر . محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن یعقوب مثله . ۵ - وباسناده عن الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد عن معاویة بن وهب عن عبد الرحمن ابن حمزة عن زکریا بن إبراهیم قال دخلت علی أبی عبد الله علیه السلام فقلت انی رجل من أهل الکتاب وانی أسلمت وبقی أهل کلهم علی النصرانیة وانا معهم فی بیت واحد لم أفارقهم بعد فآکل من طعامهم فقال لی : یأکلون الخنزیر ؟ فقلت لا ولکنهم یشربون الخمر فقال لی کل معهم واشرب . ورواه الکلینی والبرقی کما مر مع اختلاف فی اللفظ الا أنه قال فأکون معهم فی بیت واحد وآکل من آنیتهم).

حتی در جایی که «روایات مفسره» وجود نداشته باشند، باید بر اساس قاعده ی «الجمع مهما امکن، اولی من الطرح= جمع بین سخنان، بهتر از وانهادن بخشی از آن است» (که از آن به «جمع عرفی» تعبیر می شود) چرا که روش منطقی و معهود فقهی اقتضا می کند که بین «نهی برخی روایات» و «عدم نهی در برخی روایات» جمع کنیم و «نهی را بر کراهت» حمل کنیم تا منافات حقیقی بین سخنان پدید نیاید. در این خصوص که «روایات مفسره» تصریح به «عدم اراده ی حرمت» می کنند و «اراده ی نهی تنزیهی»(کراهت) را با صراحت بیان می کنند، هیچ راهی برای برداشت حکم «نجاست ذاتی» باقی نمی گذارند.

ث) برخی از بزرگان فقه شیعه، علیرغم دادن فتوا به نجاست اهل کتاب، به این نکته تصریح کرده اند که؛ «مقتضای عمل به روایات، طهارت اهل کتاب خواهد بود». (کتاب الطهارة - السید الخوئی - ج ۲ - ص ۵۶ — ۵۷)

تنها مستندی که سبب شده تا برخی بزرگان فقه شیعه علیرغم اقرار به «دلالت روایات بر طهارت» به نجاست اهل کتاب فتوا بدهند، ادعای «اجماع» است. آنان مدعی اند که؛ «حکم به نجاست کفار و اهل کتاب، بین تمامی شیعیان مشهور بوده و «فتوا دادن بر خلاف اجماع» درست نیست. بنا بر این، روایات را با ادعای «اعراض و رویگردانی فقیهان» یا «صدور تقیه ای» از اعتبار می اندازند و به مقتضای اجماع، فتوا می دهند.
علاوه بر اینکه گروه زیادی از فقهای شیعه (از سید مرتضی و برخی پیشینیان او گرفته تا مرحوم آیة الله حکیم و آیة الله منتظری) با استناد به روایات، حکم « نجاست ذاتی اهل کتاب» را منتفی دانسته و با آن مخالفت کرده اند.
(المشهور بین المتقدمین والمتأخرین نجاسة أهل الکتاب بل لعلها تعد عندهم من الأمور الواضحة حتی أن بعضهم - علی ما فی مصباح الفقیه - ألحق المسألة بالبدیهیات التی رأی التکلم فیها تضییعا للعمر العزیز وخالفهم فی ذلک بعض المتقدمین وجملة من محققی المتأخرین حیث ذهبوا إلی طهارة أهل الکتاب/ کتاب الطهارة - السید الخوئی - ج ۲ - ص ۴۵).

تفصیل این مطلب را کتاب های مفصل فقهی باید پی گیری کرد. من نیز در مقاله ای بلند و به زبان عربی با عنوان «کشف النقاب عن حکم الکافر و المشرک و اهل الکتاب» به این مطلب پرداخته ام که در صورت رفع ممنوعیت از انتشار آثار، آن را به دو زبان عربی و فارسی منتشر خواهم کرد (ان شاء الله).